

اعتصاب گسترده معلمان و تحصن آنان در دفاتر مدارس

صفحه ۲

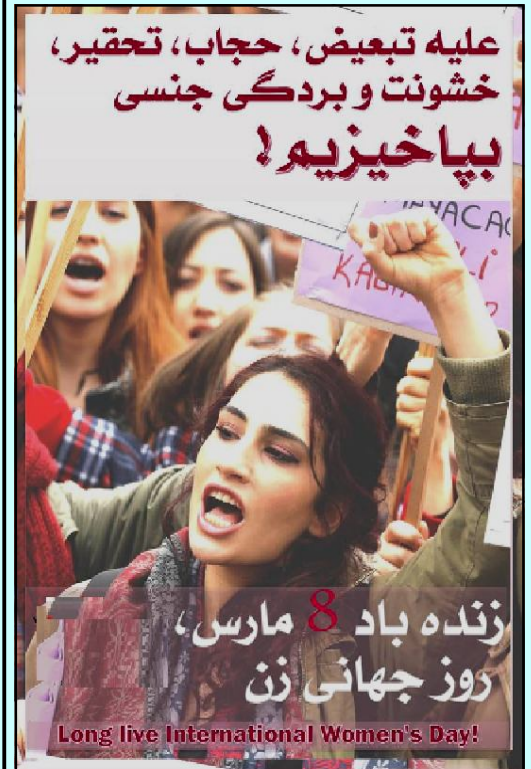
حزب کمونیست کارگری ایران



پیام به همه زنان و مردان به مناسبت هشت مارس

صفحه ۳

شهلا دانشفر



در حاشیه واکنش آموزش و پرورش به اعتراضات سراسری معلمان

صفحه ۲

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطفی

چرا "فدرالیسم" در تقابل با آزادی، برابری و حقوق شهروندی قرار دارد؟

پیرامون اعلام موجودیت ائتلاف "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"

صفحه ۵

عبدال کلپریان

اگر شاعر بودم

صفحه ۷

شمی صلواتی

صفحه ۸

به مناسبت روز جهانی زن
قطعه‌نامه کانالهای تلگرامی "زن و برابری" و "آگاهی برای زنان"

اطلاعیه های حزب

*فراخوان به کارگران نیشکر هفت تپه و مردم هفت تپه و شوش فراخوان به همه کارگران و مردم آزاده اسماعیل بخشی را باید از زندان بیرون بیاوریم

*شروع اعتصاب سراسری و تحصن معلمان در بیش از ۳۵ شهر

*اعتراضات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف به تعویق پرداختها

*اعتراضات کارگران شرکت واحد، بلبرینگ سازی تبریز، و جوانان عسویه

*اخباری از اعتراضات گسترده کارگری صفحه ۶ و ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصاب گسترده معلمان و تحصن آنان در دفاتر مدارس وزیر بی کفایت باز بگو عکس ها فتوشاپ است



آزادی معلمان زندانی، تحصیل رایگان برای همه کودکان و رفع تبعیض ها و افزایش حقوقها به بالای خط فقر است. معلمان همچون بر خواستهای لغو مدارس خصوصی و کالایی شدن آموزش، درمان رایگان، ایجاد تسهیلات

برای تامین مسکن و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید میکنند. معلمان با اعتصاب سه روزه خود بطور واقعی خواستهای کل جامعه را نمایندگی کردند.

خبرها و گزارشات از همبستگی دانش آموزان با معلمان و نیز اعلام حمایت بازنشستگان از خواستها و مبارزات معلمان حکایت میکنند. از جمله در جاهایی بازنشستگانی را می بینیم که با تهیه کلیپ حمایت خود را از تحصن سه روزه معلمان اعلام کرده اند. اتحاد سراسری معلمان و فضای همبستگی با مبارزات معلمان، بسیار شورانگیز است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فراخوان خود در مورد اعتصاب اعلام کرده بود که اگر به خواستهای آنها پاسخ داده نشود، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست از کارگری هگان را به حمایت از مبارزات و خواستهای معلمان فرا میخواند.

پیش بسوی
اعتصابت سراسری کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ اسفند ۹۷
۴ مارس ۲۰۱۹

گویند يك سر به همدان، کرمانشاه، کرج، مریوان، شیراز، جلفا، الیگودرز، خمینی شهر، سقز، اصفهان و ... بزنید تا ببینند تحصن محدود به چند مدرسه بوده است؟

بنا بر گزارشات از سومین روز اعتصاب معلمان تاکنون عکس ها و تصاویری از تحصن معلمان در شهرهایی چون کرج، یزد، تهران، سقز، مریوان، کرمانشاه، البرز، بوکان، مرند، سنقر، قزوین، زبوریه، بانه، اردبیل، همدان، خمینی شهر، دیواندره، هونجان، صفاشهر، درود، خرم آباد، مشهد، سنندج، فاروج، شیراز، اصفهان، دهگلان، تاکستان، پاسارگاد، همدان، لالچین، ارومیه، ملایر، پرنده، شهرکرد، کرمان، شهریار، فولادشهر، زرین شهر، الوندقزوین، یاسوج، زرنده در سطح مدیای اجتماعی منعکس شده است. همچنین گزارشات از شرکت فعال و چشمگیر معلمان در شهرهای کردستان، همدان، قزوین، کرمانشاه، اصفهان و یزد خبر میدهند. در جاهایی چون درود همدان معلمان با امضای نامه با خواسته های اعلام شده در فراخوان شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان اعلام همبستگی کردند.

در اعتصاب سه روزه معلمان، آنها با تحصن در دفاتر و با دست نوشته هایش
ان، خواستهایشان را اعلام کردند. سه خواست اول معلمان

روز ۱۴ اسفند معلمان سومین روز اعتصاب سراسری و گسترده خود را پشت سر میگذارند. گزارشات از شرکت وسیع معلمان در تمامی استانها و مشارکت آنها در تحصن در دفاتر مدارس حکایت میکنند. روز گذشته گزارشات حاکی از کشیده شدن دامنه اعتصاب معلمان به بیش از صد شهر بود. دامنه اعتصاب امروز وسیعتر شده است.

قدرت اعتصاب خطاری سه روزه معلمان حکومت را وادار به عکس العمل کرد. از جمله امیرعلی نعمت‌اللهی (قائم مقام وزیر آموزش و پرورش رژیم) در گفتگو با ایلنا با گفتن اینکه عکسها فتوشاپ است تلاش کرد ابعاد وسیع اعتراضات را تخطئه کند و حکومتش را از زیر فشار بیرون بکشد. اما این تلاشها رسوا و رنگ باخته است و مردم را بیاد انقلاب ۵۷ می اندازد که از هاری فرمانده نظامی تهران میگفت تظاهرات آن ابعاد را ندارد و اینها همه نوار است". این عکس العمل حکومت اسلامی بر خشم معلمان بیشتر دامن زد. انعکاس این خشم را در پخش اخبار و تصاویر تحصن روز سوم معلمان با هشتگ های "وزیر بی کفایت باز بگو عکس ها فتوشاپ است" نشان داد.

همچنین معلمان سوال کردند "اگر مدارس متحصن محدود است پس چرا #حراست اداره کل ها بسیج شده اند و معلمان متحصن را تهدید می کنند؟ اگر راست می

در حاشیه واکنش آموزش و پرورش به اعتراضات سراسری معلمان

نشان نودینیان

واکنش سریع عملا اعلام کرده اند زیر بار خواستهای معلمان نمیروند. هنوز جوابی و اقدامی برای آزادی معلمان زندانی نداده اند. طبق معمول وعده هایی را داده اند که هیچوقت عملی نمیکند. در شرایطیکه معلمان در اعتصاب قدرتمند هستند و در شرایطیکه در واکنش سریع حکومت اسلامی و آموزش و پرورش نگرانی از گسترده شدن اعتراضات مشهود است و با ترفند و صلاح تعامل بمیدان آمده اند، معلمان اعتصابی باید با توان و قدرت متحدانه برای تحقق خواستهایشان بر تداوم مبارزه پایفشاری کنند. واکنش سریع آموزش و پرورش را افشا و بر اتحاد و همبستگی بیشتر برای عقب رانده توطئه های حکومت اسلامی و آموزش و پرورش نیروی وسیعتر با اعتراضات و اعتصابات گسترده را تدارک ببینند.

معلمان و فرهنگیان، بازنشسته ها و کارگران در چند سال گذشته در مرکز قتل و جوشش اعتراضات قرار گرفته اند. در سال ۱۳۹۷ معلمان چند بار در سطح محلی و سراسری دست به اعتراضات کوبنده و شکوهمند در اشکال اعتصاب و تحصن، راه پیمایی و تجمع زده اند.

بفراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران تجمع سراسری در روز ۲۰ اردیبهشت ۹۷ و در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر و آبان ۹۷ و ۲۵ بهمن ۹۷ برگزار شد. در صدها مدرسه و ده ها شهر

اعتصاب و تحصن معلمان برگزار شد. خواستهای اعتراضی معلمان علیه تورم و گرانی، علیه فقر، علیه ناامنی معیشتی و شغلی، علیه دستگیری و امنیتی کردن فعالیت معلمان و برای آزادی معلمان زندانی و آزادی تشکل و بیان برگزار شده است. معلمان خواستهایشان را به این شکل فرموله کرده اند: «آزادی معلمان زندانی، رفع موانع قانونی برای فعالیت رسمی تشکلهای صنفی فرهنگیان، اختصاص بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش،

صفحه ۳

در دومین روز اعتصاب و تحصن قدرتمند و سراسری معلمان سراسر کشور که به فراخوان «شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران» برگزار میشود، رسانه ها سکوت کردند، اما آموزش و پرورش ناچار به واکنش شده است.

«میرعلی نعمت‌اللهی (قائم مقام وزیر آموزش و پرورش) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، گفت: در استفاده از امکانات و ظرفیت های وزارت آموزش و پرورش برای همکاری فرهنگی و فرهیخته در سراسر کشور کوتاهی نکرده ایم، البته در برابر خدمات، تلاش ها و کرامت همکاری مان شرمند هستیم، ولی همکاری فرهیخته ما هم بدانند که تمام خادمانشان در حوزه ستادی، استانی و کشوری وزارت آموزش و پرورش هر آنچه که امکان پذیر بوده را پیگیری کردند. همکاری ما در حوزه ستادی مضیقها و توانمندی های معلمان را می دانند، اما انتظار ما از همکاری این است که همه با هم با یک همدلی و همکاری کارها را جلو ببریم. در سال آینده بحث مهم طرح رتبه بندی معلمان را داریم که اجرایی خواهد شد. علاوه بر آن بر اساس قانون بوده می توان از ظرفیت های دیگر برای بهبود وضعیت معیشتی اقدام کرد که ما برای همکاری انمان حتما این کار را خواهیم کرد...»

واکنش آموزش و پرورش قابل تامل است. اینها خط و نشان کشیدن و تهدید را کنار گذاشته اند و به سیاست تعامل و رفتار ملایم روی آورده اند! چرایی این تعامل و رفتار ملایم کجاست؟ در حاشیه واکنش آموزش و پرورش به اعتراضات سراسری معلمان به این مساله میپردازیم.

آموزش و پرورش در دومین روز اعتصاب و تحصن معلمان و با عجله واکنش نشان داد. واکنش عجولانه اینها ضمن اینکه تعامل و رفتار ملایم را در خود دارد، اما بشدت مزورانه است. اینها با این

پیام به همه زنان و مردان به مناسبت هشت مارس

زنان! کارگران، مردم شریف

شهلا دانشفر



سراسر جهان، حرف ما همواره این بوده است که تبعیض علیه زن را نمی‌پذیریم. فقر را نمی‌پذیریم.

شرایط برده وار کار را نمی‌پذیریم. می‌خواهیم حق رای داشته باشیم و در سرنوشت جامعه دخیل باشیم. می‌خواهیم برابر باشیم. و این روز از همان آغازش با اعتراض ما کارگران زیر ستم و استعمار آفریده شد. به ستم کشی زن نه گفتیم، تا اجازه ندهیم کل جامعه به قهقرا برده شود. امروز نیز ما هشت مارس را به عنوان یک روز بزرگ اعتراض خود گرامی می‌داریم.

ستم بر زنان اهرم ستم بر کل جامعه است و رهایی زن از شر توحش حکومت منفور اسلامی و همه سنن و قوانین و احادیث عهد عتیق و بربریتش، رهایی کل ما مردم است! از همه کارگران و تمامی بخشهایش یعنی کارگران کارخانه ها، بیکاران، کارگران بازنشسته، معلمان، پرستاران و غیره انتظار وسیعترین دخالت در گرامی‌داشت این روز را دارم. ۸ مارس را در همه جا در خیابان و محله و در کارخانه به هر شکل که میتوانیم و مناسب میدانیم جشن بگیریم. به مناسبت هشت مارس همه جا را به میدان بحث بر سر حقوق پایه ای زن و جامعه ای آزاد و برابر تبدیل کنیم، تجمع کنیم و کنفرانس

هایمان را برپا کنیم و با برداشتن حجاب ها، در قامت دختران انقلاب قد علم کنیم و به کل بساط آپارتاید جنسی حاکم نه بگوییم.

بعنوان یکی از فعالین جنبش زنان و جنبش کارگری همه شما زنان و مردان آزادیخواه، همه شما کارگران و مردم را به شرکت فعال در هشت مارس امسال فرا میخوانم. هشت مارس را هر چه گسترده تر گرامی بداریم و بار دیگر بر حقوق پایه ای خود برای داشتن یک زندگی شایسته انسان، تاکید بگذاریم.

در حالیکه ستم به زن ابعاد هر روز ابعاد جنایتباری به خود گرفته است، در حالیکه فقر و گرسنگی زندگی و معیشت همه ما مردم را به تنگنا کشیده است، هشت مارس را به روز اعتراضی سراسری خود علیه کل این توحش و بربریت تبدیل کنیم و بپا خیزیم.

جمهوری اسلامی با کل بساط آپارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی اسلامی و توحش و بربریتش باید گورش را گم کند. این فرمان انقلاب مردم است. انقلابی که صدای گامهایش را به جلو می‌شنویم و نوید بخش جامعه ای شاد و انسانی است.

زنده باد هشت مارس

شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده

حزب کمونیست کارگری ایران

اسفند ۹۷

هشت مارس روز جهانی زن فرا می‌رسد. این روز مهم آزادیخواهی و برابری طلبی را به همگان تبریک می‌گوییم. هشت مارس روز ماست. روز همه انسانهای رنج کشیده و ستم کشیده و به جان آمده است. روز ماست که اسیر چنگال یک حکومت اسلامی و ضد زن و ضد ارزشهای مدرن و انسانی هستیم که ۴۰ سال است که در نبرد با آنیم. هشت مارس روز همه ما مردمی است که عزم کرده ایم جامعه را از شر نیروهای مرتجع و مفتخور و عقب مانده طبقات بی خاصیت و حاکمیت ارتجاعی و قرون وسطایی و ضد بشری حاکم خلاص کنیم.

امسال در چهلمین سال حاکمیت جنایتکاران اسلامی در ایران هشت مارس روز کيفرخواست ما مردم علیه ۴۰ سال جنایت علیه زن و اعمال قوانین وحشیانه بردگی جنسی در جامعه و جنایت علیه بشریت است. به پاس ارج گذاشتن به ۴۰ سال نبرد جانانه زنان و مردان آزادیخواه علیه بساط آپارتاید حکومت اسلامی، ۸ مارس را امسال با شکوهتر از هر سال گرامی بداریم.

۸ مارس نه فقط روز زنان بلکه روز همه مردم ضد ستمگری علیه زن و حکومت های سرمایه داری وحشی حاکم است. ما سازندگان این روز هستیم. از همان آغاز بوجود آمدن ۸ مارس در آمریکا و در کشورهای اروپایی و در روسیه و در ایران و در



از صفحه ۲ در حاشیه واکنش ...

شرایط نابسامان نظام سیاسی ظالمانه و دزد و فساد حکومت اسلامی، است. میدانند، جامعه در حال التهاب و دگرگونی است. میدانند، با خط و نشان و دستگیری کارگر و معلم و بازنشسته خاموش نمیشوند، میدانند یکی از خواستهای اصلی معلمان برای آزادی معلمان دستگیر شده است، میدانند که خواست زندگی انسانی در

همسان سازی حقوق معلمان بازنشسته با شاغلان، داشتن بیمه کارآمد و فراگیر، توقف سیاست پولی سازی مدارس».

حکومت اسلامی و آموزش و پرورش خود نیز به اندازه ما مردم، معلم و کارگر و بازنشسته شکاف طبقاتی، نابسامانی اقتصادی، بیکاری را شاهدند. میدانند مسبب تمام این

صدر مطالبات و مبارزات قرار دارد، به همین دلیل ناچارند سیاست تعامل و رفتار ملایم را اتخاذ کنند، به این امید که با این به اصطلاح رفتارهای ملایم موج رویگسترش اعتراضات را کم کنند. اما، همچنانکه ما شاهدیم اعتراضات رو بروز گسترده تر و رادیکالتر شده است. کارگر و معلم و بازنشسته و دانشجو با خواستهای مشترک با پرچم اعتراضی مشترک و همه گیر در مبارزه ای دائمی قرار دارند. تعامل حکومت اسلامی با زبان ملایم با معلمان ضعف و عقب نشینی حکومت اسلامی است. معلمان و بازنشسته ها با اعتصابات گسترده و شکوهمند در حمایت مردم در سطح سراسری یک گام به پیش گذاشته اند. اعتصاب و تحصن های روزهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ اسفند ۹۷ گامی مهم در عقب راندن سیاست سرکوب حکومت اسلامی است. *

تحصیل رایگان
حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان

آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملا از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

۵/۲۱

بعنوان یکی از فعالین جنبش زنان و جنبش کارگری

همه شما زنان و مردان آزادیخواه،

همه شما کارگران و مردم را به شرکت فعال

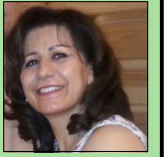
در هشت مارس امسال فرا میخوانم. هشت مارس را هر چه

گسترده تر گرامی بداریم و بار دیگر بر حقوق پایه ای خود

برای داشتن یک زندگی شایسته انسان، تاکید بگذاریم.

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



احضار فعالین کارگری و مدنی سنندج به نهادهای امنیتی

در چند روز گذشته احضار فعالین کارگری و مدنی سنندج با اسامی مظفر صالحی نیا، خالد حسینی و سیمین چایچی در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن به نهادهای امنیتی اطلاعات احضار و تهدید شدند.

متن کامل نامه زینب جلالیان بنیابست هشت مارس

زینب جلالیان زندانی سیاسی در نامهای سرگشاده که به مناسبت ۸ مارس نوشته این روز را به تمام زنان جهان تبریک می گوید و از تداوم مبارزه علیه ستمگران سخن گفته است. متن کامل نامه زینب از این قرار است:

"با همه احساس قلبیم ۸ مارس را به مادر صبورم، زنانی که چشم به راه عزیزانشان هستند و همه زنان جهان تبریک عرض میکنم.

وقتی نگاهی به تاریخ می اندازیم، می بینیم در طول تاریخ همیشه زنان آزادیخواه بر علیه رژیم های دیکتاتور مبارزه کرده اند و این زنان شجاع هشت مارس را هم با خون خودشان در تاریخ به ثبت رساندند.

ای ستمگران، نظاره گر بودید و هستید، دیدید نمی شود با قتل عام، شکنجه و زندانی کردن ما زنان، جلوی حق خواهی ما را بگیرید. وقتی يك زن جوهرش با آزادی سرشته شده باشد، هیچ ظلم و زوری نمی تواند او را به زانو در بیاورد.

من زمانی به این حقیقت پی بردم که در چنگال ستمگران جمهوری اسلامی بودم. لباسهای مرا بر روی تنم پاره کردند، چشمهایم را بستند، دست و پایم را با زنجیر به تخت آهنی بستند و شکنجه وحشتناک مرا شروع کردند. با کابل به زیر پاهایم شلاق زدند، پاهایم خیلی وحشتناک ورم و کبود شده بودند. این قدر مرا شکنجه کردند که دیگر هیچی را احساس نمی کردم، تمام تنم بیحس شده بود، دیگر اختیار جسمم را نداشتم، شلوام را خیس کرده بودم. آری، شرم آور است اما نمیدانم برای من یا برای آنان که این بلاها را

به سر من آورده بودند. ای وجدانهای بیدار، حق قضاوت با شماهاست، آیا من که آرزویی به جز آزادی و برابری بشر ندارم و آنهایی که به خاطر منافع خود این همه شکنجه را بر من اعمال کردند، گناهکارند؟! یا من؟!!

خودتان قضاوت کنید، من مثل ده سال پیش تن سالمی ندارم و کلبه های زندان مرا صیقل داده اند، وقتی شکنجه گران مرا شکنجه میکردند تنها چیزی که برایم مانده بود فکر و اعتقاد بود و امیدي که به زنان مبارز و آینده داشتم.

اگر بگویم قلم از نوشتن درد و رنجم قاصر است، مبالغه نکرده ام، چون من فقط يك قسمت کمی از شکنجه هایم را برای شما بازگو کردم. امیدوارم در این روز عزیز خاطر شما را مکدر نکرده باشم.

گاهی وقتها به این فکر می کنم کجای دنیا هستم یا اصلا کجای زمان گیر کرده ام که هر چندر تلاش می کنم راه گریزی پیدا نمیکنم آیا حق من این است؟! که شاهد به دار کشیدن هموعان و نزدیکانم باشم و دم تزنم؟! معجیب روزگار است، اگر باد تندی می وزید، قلمم از تندی باد می لرزید اما امروز این همه بادهای سیاه و ناسوز را چه کنم؟!!

جنگ، کینه، ریا، قتل، کشتار و شکنجه و این کارها همگی در عادی ترین زمان انجام میگیرند و ستمگران برای هر کدام از جنایتهای خود دلیل یا توجیهی دارند و این برای من از همه دردناکتر است. پس ای زنان جسور و فداکار بگوئید سخنی را که آتش در گفتنش دودل است. من آرزوی مرگ برای هیچ کسی حتی ستمگران را ندارم،

بباید با هم بر علیه ستمگران مبارزه کنیم تا با تلاشهایمان ستمگران را از سرزمین مادریمان بیرون کنیم، تا فردا شرمنده آن زنانی که به خاطر آزادی و برابری جان عزیزشان را از دست دادند، نباشیم.

من زینب هستم، زینب جلالیان، زن کردی که شاهد صدها جنایت جمهوری اسلامی در زندان و شاهد تهمت، اهانت، شکنجه و از همه

بدتر شاهد اعدام ۱۰ نفر از هم بندیهام بودهام. آیا دردی بزرگتر از این هست؟! تازه این ظالمان از من می خواهند ابراز پشیمانی بکنم، مگر ممکن است منی که این همه ظلم و زور را با چشمانم دیده ام اظهار پشیمانی کنم؟! باور کنید هر وقت ستمگران، ظلم و شکنجه را بر من بیشتر می کنند، من جسورتر و مقاومتر می شوم.

زن - زندگی - آزادی بدرد
زینب جلالیان / زندان خوی "

انفجار مین در بخش موسیان دهلران جان دختری را گرفت

روز شنبه یازدهم اسفندماه، در پی انفجار مین به جا مانده از جنگ ایران و عراق در بخش موسیان روستای نصر شهرستان دهلران، یک دختر ۱۵ ساله جان خود را از دست داد. مرگ این دختر ۱۵ ساله در پی انفجار مین در حالی است که سازمان مردم نهاد ماف کوردستان در بیستمین سالگرد لازم الاجرا شدن کنوانسیون بین المللی مین ضد نفر اوتاوا بر پاکسازی مناطق آلوده به مین و مهمات منفجر نشده در استان های ارومیه، سنندج، کرمانشاه، ایلام و خوزستان آموزش خطرات مین به عامه مردم تاکید کرد. بنابر تحقیقات رسمی، ایران دومین کشور آلوده به مین در دنیاست و جدای از آمارهای ضد و نقیض در مورد تخمین تعداد مین در چهار میلیون و دویست هزار هکتار از زمین های آلوده ایران مسئولان آنرا بیش از ۱۶ میلیون مین و مهمات عمل نکرده بعد از پایان جنگ در استان های ارومیه، سنندج، کرمانشاه، ایلام و خوزستان اعلام کرده اند. حکومت ایران حتی بعد از جنگ ۸ ساله با عراق، به صورت مداوم و روزانه اقدام به مین گذاری در کردستان به بهانه حضور احزاب و گروه های مسلح کرده است.

زن جوانی اهل بوکان که توسط همسرش به دار آویخته و به کما رفته بود، جان سپرد

روز شنبه ۱۱ اسفند منیر آبو مهرنیا زن ۳۵ ساله اهل بوکان که به دلیل اختلافات خانوادگی توسط همسرش با هویت محمد محمودی به دار آویخته شده و به کما رفته بود، پس از ۲۴ ساعت در یکی از مراکز درمانی بوکان جان سپرد. این زن جوان که باردار نیز بود جنین ۸

ماهه اش هم سقط شده بود. محمد پس از به دار آویختن همسرش فراری شده و تا زمان تنظیم این خبر دستگیر نشده .

یک زن در شهرستان جوانرود از توابع استان کرمانشاه به زندگی خود پایان داد

شامگاه يك شنبه ۵ اسفند ۹۷ يك زن اهل جوانرود با نام سرگل عزیزي ۴۴ ساله به دلیل اختلافات خانوادگی به زندگی خود پایان داد. خودکشی این زن در حالی است که دختر جوان وی نیز به اسم بهاره مرادپور پاییز سال گذشته به دلیل آنچه که گفته میشود "مشکلات خانوادگی" و از طریق خوردن قرص به زندگی خود پایان داده بود.

آخرین وضعیت آتنا دائمی محرومیت از دریافت خدمات درمانی

آتنا دائمی، کنشگر مدنی در زندان اوین از مشکلات بینایی رنج می برد، بر اساس نسخه پزشك، او باید فوراً تحت درمان قرار گیرد ولی اعزام این زندانی با مخالفت مسئولان زندان همراه است. مسئولان زندان اوین با اعزام آتنا دائمی علیرغم داشتن مشکلات بینایی وی مخالفت می کنند. او مدت هاست که با سرگیجه و سرردهای مدام و بی حسی در ناحیه چشم راستش مواجه است. پیش از این پزشك بهداری زندان قرچك در اردیبهشت ماه ۹۷ برای او درخواست انجام "ام آر ای" را نوشته است ولی با این حال او تاکنون به مراکز درمانی خارج از زندان برای معاینه منتقل نشده است. از سوی دیگر گزارش شده که دادیار ناظر بر زندان درخواست خانواده او برای ملاقات را مدت هاست نپذیرفته است.

دادستانی شوش با انتقال سپیده قلیان به بیمارستان مخالفت کرده است.

مخالفت «دادستان با اعزام سپیده قلیان به بیمارستان با وجود وضعیت به شدت نگران کننده بر اساس این گزارش، سپیده قلیان هفته پیش در ملاقات با خانواده اش وضعیت روحی و جسمی به شدت نگران کننده ای داشته است.

غزاله باقری طاری، به ۵ سال حبس محکوم شد

غزاله باقری طاری ساکن تهران به ۵ سال حبس تعزیری محکوم و این حکم طی هفته جاری به وی ابلاغ

شده است. جلسه دادگاه وی اواخر آذرماه امسال در دادگاه انقلاب تهران برگزار شده بود. وی در تاریخ ۲۹ مهرماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت و ۲۳ روز بعد با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود. اتهام مطروحه علیه وی اقدام علیه امنیت کشور عنوان شده است. پیش ترغزاله باقری طاری، ۲۳ روز پس از بازداشت در تاریخ ۲۲ آبان ماه ۹۶ با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شده بود.

محرومیت آرش صادقی و گلرخ ابرایی از ملاقات منظم با یکدیگر

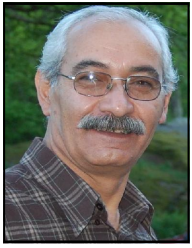
آرش صادقی، کنشگر مدنی محبوس در زندان رجایی شهر کرج و همسر وی گلرخ ابراهیمی ایرانی که در بند زنان زندان اوین به سر می برد، طی سال جاری تنها دویار اجازه ملاقات با یکدیگر را داشته اند. آغاز این محرومیت همزمان بوده است با انتقال تنبیهی آرش صادقی از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج. محرومیت این دو زندانی سیاسی از ملاقات منظم در حالی است که در قانون پیش بینی هایی برای ملاقات بین اعضای زندانی خانواده ها شده است، حتی اگر آنها در زندان های جداگانه تحمل حبس کنند.

آغاز این محرومیت همزمان است با ۲۶ مهرماه ۹۶ که آرش صادقی از بند ۳۵۰ زندان اوین به دستور چهارم حالی، رئیس زندان به صورت تنبیهی به زندان رجایی شهر کرج تبعید شد.

از جمله این ملاقات ها، ملاقات های ماهانه موسوم به "بین زندان" است که مردان اعضای خانواده که در زندان های سطح تهران و البرز نگهداری می شوند به زندان هایی چون اوین برای دیدار با بستگان دربند خود منتقل می شوند.

این محرومیت از ملاقات منظم در حالی است که وضعیت جسمی آرش صادقی پس از ابتلای او به نوع بدخیم سرطان استخوان به نام کندروسارکوما، جراحی با تاخیر، محدودیت در اعزام به بیمارستان باعث افزایش نگرانی خانواده صادقی و گلرخ ابراهیمی ایرانی شده است.

چرا "فدرالیسم" در تقابل با آزادی، برابری و حقوق شهروندی قرار دارد؟ پیرامون اعلام موجودیت ائتلاف "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"



عبدل گلپریان

"روز شنبه ۴ اسفند (۲۳ فوریه) ده حزب و سازمان سیاسی در نشست در شهر هانوفر آلمان آغاز فعالیت خود را در ائتلافی به نام "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" اعلام کردند. هدف این ائتلاف "سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری مبتنی بر دموکراسی، آزادی، برابری حقوقی شهروندان و جدایی دین از دولت" اعلام شده است.

این گروه‌ها عبارتند از اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومه‌له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، کومه‌له زحمتکشان کردستان.

بیانیه بر مطالبات گوناگونی تأکید کرده است؛ "جمهوریت، دموکراسی، جدائی دین و دولت و فدرالیسمی که تأمین حقوق برابر ملی - دموکراتیک ملیتها و اقوام ساکن ایران" باشد.

ائتلاف احزاب و سازمانهای اپوزیسیون حکومت اسلامی در خود ایرادی ندارد. اینجا بحث بر سر نفس ائتلاف احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون نیست بلکه بحث بر سر افق، اهداف و سیاست نیروهای تشکیل دهنده هر ائتلافی است که آنرا در دستور کار خود قرار میدهند.

برای نیروهای تشکیل دهنده این ائتلاف که از یک سو سیاست، برنامه و فعالیت‌های تاکتونی شان متکی بر تحقق فدرالیسم بوده و از سوی دیگر در بیانیه اعلام موجودیتشان کماکان بر فدرالیسم تأکید داشته و پای میفشارند، مدعی شده اند که در کنار فدرالیسم برای تحقق "آزادی، برابری و حقوقی شهروندی" و "جدایی دین از دولت" در ایران تلاش خواهند کرد.

آوردن واژه هایی چون "آزادی و برابری و حقوق شهروندی" و "جدایی دین از دولت" در کنار "فدرالیسم" در بیانیه نیروهای مؤتلفه چیزی جز آیین بندی ویرترین "فدرالیسم" جریانات قومپرست

نیست. بیان "حقوق شهروندی" در بیانیه نیروهای مؤتلفه پنهایی در مغایرت تمام و کمال با فدرالیسم است. ساختار فدرالیسم علیه هر گونه حقوق شهروندی و حتی علیه شهروندان است چرا که نیروهای قومی فدرال خواه بر هویت قوم و ملت متکی هستند نه حقوق برابر شهروندی. هر حکومتی در فرادی سرنگونی رژیم اسلامی بقدرت برسد و حقوق برابر شهروندی را در قانون تصویب و در عمل به اجرا درآورد معنایش این خواهد بود که تمامی احزاب و جریانات قومی و فدرالی باید خود را منحل کنند.

"جدایی دین از دولت" هم که "فدرالیسم" را با آن آرایش کرده اند عاری از حقیقت است. احزاب دمکرات کردستان و سنتهای تا کنونی شان عمیقاً آغشته با فرامین دینی و اسلامی است. کیست نداند که برنامه های رادویی احزاب دمکرات با آیات قرآن شروع میشود. کیست نداند که همنشینی و همکاری با سازمان اسلامی خیات و برسمیت شناسی این جریان مرتجع اسلامی در ائتلافهای همین چند ماه اخیر توسط بخشی از تشکیل دهندگان ائتلاف موجود صورت گرفته است. آیا مدعیان جدایی دین از دولت در فرادی سرنگونی حکومت اسلامی و در صورت حاکم شدن بر چهار روستا میتوانند سازمان خبات را از شراکت و کدخدانمشی بر مردم آن چند روستا محروم کنند؟

از آنجا که برابری مفهومی اقتصادی دارد آیا در کردستان عراق تحت حاکمیت احزاب قومی، عشیره ای و اسلامی که الگویی احزاب مؤتلفه است کارگر کرد زبان و همچنین کارگر مهاجر غیر کرد زبان از شهرهای عراق و کشورهای دیگر و در میان شهروندان در کار و زندگی آنان در ساختار فدرالی حکومت اقلیم طی نزدیک به سه دهه اخیر میتوان ذره ای برابری جستجو و مشاهده کرد؟

و از آنجا که آزادی مفهومی سیاسی دارد آیا روزنامه نگاران منتقد، زنان سنت شکن و فعالین سیاسی مخالف حکومت اقلیم کردستان عراق از آزادی بیان، نقد و حق و حقوق اجتماعی آزادانه ای برخوردار هستند یا اینکه بنا به مصالح احزاب و نیروهای قومی، عشیره ای و اسلامی حاکم،

زندانی، ترور و سرنیست میشوند؟ ادعای رفع ستم ملی از سوی این نیروها هم نه تنها پایان دادن به ستم ملی نیست بلکه در صورت کسب موقعیتی در قدرتهای محلی، ستم و نابرابری بمراتب تشدید کننده تری و اینبار توسط نیروهای قوم پرست اعمال خواهد شد. با نگاهی به کردستان عراق میتوان تصور کرد که در صورت تحقق آزادی احزاب و نیروهای قوم پرست و با اتکا به ساختار "بهشت گونه" فدرالیسم، چه بلایی بر سر مردم ساکن در مناطق فدرال زده خواهند آورد.

دورانی وقتیکه به حزب دمکرات که اکنون دو شاخه هستند گفته شد نماینده و سخنگوی بورژوازی کرد، با تعرض مسلحانه به احزاب مخالف سیاسی خود پاسخ داد. جریان دیگری از این ائتلاف وقتی نتوانست حرف خود را برای برتری طلبی در سازمانش بکرسد نشاناند اقدام به محاصره نظامی محل استقرار مخالفین خود تا ریختن طرح ترور آنان را به پیش برد.

فروش فدرالیسم با رنگ و لعاب "آزادی و برابری و حقوق شهروندی" و "جدایی دین از دولت" تعارف فریبنده ای است که امروز دیگر کارایی ندارد. کاش نیروهای تشکیل دهنده این ائتلاف عمیقاً به آزادی، برابری، حقوق شهروندی و جدایی دین از دولت متعهد و پایبند می بودند اما کارنامه نیروهای تشکیل دهنده این ائتلاف در تمامی دورانی که در اپوزیسیون بوده اند نمره قابل قبولی نگرفته اند چه رسد به اینکه حاکمان یک ساختار محلی فدرال در تقسیم شهروندان به ملیتهای مختلف باشند.

در بهترین و خوشبینانه ترین حالت تعهد آنان به آزادی و برابری و ... نیز ذره ای از این واقعیت کم نمیکند که نقد و کنار زدن افق، اهداف و سیاست جریانات قومی از این رو است که آنان چیزی جز حکومتهای شبه ملوک الطوائفی در تقسیم بندی شهروندان یک کشور به ملیتهای مختلف و اعمال ستم و نابرابری اقتصادی و سیاسی در برنامه شان را ندارند. نفس وجود همین افق و سیاست در تقابل و در مغایرت با آرمانها و آرزوهای انسانی مدرن و متمندان کارگران و مردمی است که منافعشان در همبستگی طبقاتی نهفته است.

در جامعه ایران که امروز حرف اول و آخر را از زبان فعالین و تشکلهای مستقل از دولت در جنبش کارگری میشنوم و تنها این جنبش میتواند با ابراز وجود خود در مقابل هر گونه تفرقه باد زده شده توسط جریانات قوم پرست و ناسیونالیست در میان شهروندان را کنار بزند. تلاش جریانات ناسیونالیست و قوم پرست برای راه اندازی ساختارهای موزائیکی فدرالیستی، ایستادگی و تقابل در برابر جنبش کارگری و دیگر جنبشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه است.

اگر قوم پرستی برای جریانات فدرالچی مقدس و ابدی است، برای کارگر طبقه بودن نه تنها قدوسیته ندارد بلکه میکوشد تا با تحقق سوسیالیسم و کمونیسم یکبار برای همیشه طبقه بودن و کارگر بودن را برچیند. طبقه بودن و کارگر بودن میراث نظام سرمایه داری است و افتخاری برای نیروهای تشکیل دهنده و مزدگیر آن محسوب نمیشود اما قومی گری، طایفه گری احزاب و جریانات فدرال خواه هویت و شناسنامه آنان بعنوان پدیده ای مقدس را دم دست میکند که باید برای تداوم این هویت و شریک شدن در قدرت ابتدا جامعه را به هویت های موزائیکی مطابق میل خود تبدیل کنند و سپس آنرا بخون بکشند.

برای طبقه کارگر و برای شهروندان مسیر تاریخ روندی رو به جلو دارد گویی برای جریانات و نیروهای قومی که در آرزوی رسیدن به فدرالیسم و تقسیم شهروندان به ملیتهای مختلف هستند، تاریخ روندی رو به عقب باید داشته باشد.

جامعه ایران، جنبش کارگری و توده های میلیونی مردم پشت سر رهبران و تشکلهای کارگری بیش از هر زمان دیگری نیازمند جامعه ای آزاد، برابر، انسانی، مرفه و سوسیالیستی هستند که در تب و تاب یک انقلاب به رهبری فعالین و چهره های شناخته شده کارگری و کمونیستها میروند تا بساط مافیای سود، چپاول، استثمار و بهره کشی را پایان دهند. اگر امروز جریاناتی شناخته شده و امتحان پس داده میکوشند فدرالیسم شان را با عبارت "آزادی و برابری و حقوق شهروندی و جدایی دین از دولت" تزئین کنند خواب نما نشده اند بلکه فشار

اعتراضات و مبارزات چپ و سوسیالیستی جامعه آنرا بهشان تحمیل کرده است. در شرایط انتقالی هر بورژوازی ممکن است بخاطر حفظ موقعیت و منفعت طبقاتی اش هم که شده خود را "انقلابی" نشان دهد.

شهرهای کردستان چهل سال قبل با افق و اهداف کمونیستی و سوسیالیستی پا بعرصه مبارزه در مسیر انقلاب و ایجاد شوراها برای تداوم انقلاب بعنوان ابزار اعمال حاکمیت توده ای گذاشت. این سنت در چهار دهه اخیر بمراتب سازمان یافته تر، آگاه تر و چپ تر شده است. کارگران و توده های مردم کردستان آرمانها و آرزوهای خود را در ادامه اعتراضات و اعتصابات مشترک و سراسری جستجو میکنند. وقایع و رویدادهای یکسال گذشته بخوبی نشان داد که فضای سیاسی و اعتراضی شهرهای کردستان در همبستگی با کارگران اعتصابی در اهواز و دیگر شهرهای مختلف نیششان با هم میزند. تقویت و گسترده شدن این فضا یعنی پوچ بودن افق، اهداف و مقدمات بی ریشه قومی این جریانات و بیدان آمدن شفاف تر رادیکالیسم کارگر و سوسیالیسم خواهی و تأکید بر هویت انسانی در مقابل هر گونه هویت تراتی قومی و محلی.

کارگران و مردم ستم دیده برای زوددن و خاتمه دادن به چهار دهه فقر، فلاکت، سرکوب و نابرابری، نه به "مجلس موسسان"، به "فرشگرد" و به "قنقنوس" دست ساز رضا پهلوی تن میدهند و نه به "فدرالیسم نیروهای قومی و محلی". ایجاد شوراها که در سراسر کشور، مراکز کارگری و در شهرهای کردستان پیشینه ای قوی دارد تنها ساختاری است که میتواند برای اعمال اراده مستقیم مردم بدست گرفته شود.

اگر سنتی ریشه دار و میدانداز است ساختار شوراها است نه ساختار فدرالیسم.

۹ اسفند ۱۳۹۷

۲۸ فوریه ۲۰۱۹

پیش به سوی ایجاد شوراها کارگری

اطلاعیه های حزب

فراخوان به کارگران نیشکر هفت تپه و مردم هفت تپه و شوش
فراخوان به همه کارگران و مردم آزاده اسماعیل بخشی را باید از زندان بیرون بیاوریم



اسماعیل بخشی رهبر کارگران نیشکر هفت تپه که به چهره محبوبی در هفت تپه و شوش و سراسر کشور تبدیل شد، همچنان در زندان است و زیر انواع فشارها قرار دارد. نباید بیش از این اجازه دهیم کسی که برای تحقق خواست های کارگران تلاش فوق العاده ای انجام داده، نقش مهمی در موفقیت های کارگران داشته و با به مصاف طلبیدن وزیر اطلاعات در مورد شکنجه های درون زندان، جنبش دادخواهی را قدم مهمی به جلو برد، همچنان اسیر بازجویان وزارت اطلاعات باشد. باید با قدرت اعتراضات و اعتصابات خود، او را از زندان بیرون بیاوریم.

در روزهای گذشته خانواده بخشی و دوستانش تجمعاتی برای آزادی او برپا کرده اند. این اعتراض باید هر چه بیشتر گسترده شود تا حکومت برای آزادی او تحت فشار قرار گیرد و مجبور به آزادی او شود.

مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی و سایر کارگران و فعالین زندانی وظیفه همه مردم آزاده در سراسر کشور است. معلمان و بازنشستگان میتوانند در بیانیه ها و تجمعات خود خواهان آزادی اسماعیل بخشی شوند. دانشجویان میتوانند برای آزادی اسماعیل بخشی دست به تجمع و اعتراض بزنند. تشکل های کارگری و کارگران مراکز مختلف میتوانند با بیانیه ها و به هر شکل دیگری که میتوانند خود را در مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی شریک کنند. فعالین مدیای اجتماعی میتوانند دفاع از اسماعیل بخشی را بار دیگر به گفتمانی فراگیر تبدیل کنند. میتوانیم جنبش دفاع از اسماعیل بخشی را در همه جا دامن بزنیم و حکومت را زیر فشار قرار دهیم.

اسماعیل بخشی و همینطور سپیده قلیان شایسته بیشترین حمایت همه ما و بیشترین تلاش همه ما برای آزادی از زندان هستند. حزب کمونیست کارگری کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آنها، مردم هفت تپه و شوش و کلیه مردم معترض و آزاده در سراسر کشور را به دامن زدن به مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اسفند ۱۳۹۷، ۲۷ فوریه ۲۰۱۹

شروع اعتصاب سراسری و تحصن معلمان در بیش از ۳۵ شهر

روز ۱۲ اسفند معلمان در سراسر کشور بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده برای پیگیری خواستهایشان دست از کار کشیدند و در دفاتر مدارس به تحصن نشستند. فراخوان این حرکت

اعتراضی از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برای روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند داده شده است. در تحصن امروز، معلمان با در دست گرفتن دست نوشته هایی خواستهایشان را اعلام داشتند. آزادی معلمان زندانی و لغو پرونده های امنیتی برای معلمان و کارگران و فعالین اجتماعی، و تحصیل رایگان برای کودکان در راس خواستهای معلمان قرار دارد. بنا بر گزارشهای اولیه این تحصن در استانهای تهران، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، البرز، همدان، اصفهان، یزد، قزوین و خراسان جنوبی در بیش از ۳۵ شهر جریان دارد. از جمله در شهرهای تهران، سقز، سنندج، قروه، مریوان، یزد، مشهد، تربت حیدریه، کرمانشاه، خمینی شهر، البرز، اصفهان، همدان، بابل، تاکستان، قزوین، نجف آباد، کهریز، موجش، شهرصاحب، جلفا، شیراز، ایرانشهر، سازی، شهرضا، هادیشهر، کرج، اردبیل، تبریز، بوئین زهرا، قروه، همایونشهر، و هادیشهر اعتصاب جریان دارد.

معلمان همچنین خواستار افزایش حقوق ها به بالای خط فقر، تسهیلات لازم برای تامین مسکن، لغو مدارس خصوصی و پایان دادن به کالایی کردن آموزش، پرداخت مطالبات معلمان حق التدریس و روشن شدن وضع استخدامی آنان و بالا بردن استانداردهای آموزشی هستند. اعتراض معلمان بطور واقعی به فقر و گرانی و به تبعیض و نابرابری و بساط چپاول حاکم است. اعتراض معلمان به بیحرمتی و بی حقوقی و محرومیت معلمان از پایه ترین حقوق خویش چون حق تشکل است. معلمان با تاکید روی خواستهایی چون تحصیل رایگان برای همه کودکان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و افزایش حقوق ها به بالای خط فقر خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکنند.

حزب کمونیست کارگری از خواستها و مبارزات معلمان قاطعانه حمایت میکند. حزب از کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و همه بخش های مردم خصوصا از خانواده های دانش آموزان و دانشجویان میخواهد که از مبارزات و خواستهای معلمان فعالانه حمایت کنند. هم اکنون شماری از معلمان از جمله اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، معصومه عسکری و محمد علی زحمتکش در زندانند. همراه با همه معلمان باید آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی را فریاد بزنیم و حکومت منفور اسلامی را زیر فشار جنبش آزادیخواهی قرار دهیم. حزب در سطح بین المللی نیز خواستها و مبارزات معلمان را بازتاب میدهد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ اسفند ۹۷، ۳ مارس ۲۰۱۹

اعتراضات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف به تعویق پرداختها



در ادامه اعتراضات متحدانه کارگران راه آهن در شهرهای مختلف روز ۱۱ اسفند نیز کارگران راه آهن و تراورس هرمزگان، زاگرس، خرم آباد و تبریز دست به اعتصاب و اعتراض زدند: کارگران تراورس در منطقه هرمزگان روز شنبه ۱۱ اسفند در ایستگاه سیرجان در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق شان

دست به اعتصاب زدند. این کارگران از روز پنجشنبه ۹ اسفند اعتصاب کرده اند. کارگران در این روز به مدت سه ساعت مسیر قطارهای باری را بستند.

صبح روز ۱۱ اسفند کارگران تراورس زاگرس نیز برای چندمین بار در ماه جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق تجمع کردند. مسئولین شرکت هر بار وعده میدهند و رقمی هم به حساب کارگران واریز شده است.

همچنین صبح روز ۱۱ اسفند شماری از کارگران تراورس لرستان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمک سه ماه معوقات مزدی مقابل ساختمان استانداری دورود تجمع کردند. این کارگران بخشی از نیروهایی هستند که از طریق شرکت های پیمانکاری «تراورس» در خطوط ابنیه فنی راه آهن ناحیه لرستان مشغول کارند و مجموع کارگران پیمانکاری شاغل در آنجا تعدادشان به بیش از ۴۰۰ نفر می رسد و سالهاست که با عدم دریافت به موقع معوقات مزدی روبرو هستند.

روز دهم اسفند ماه کارگران راه آهن تبریز به خاطر عدم دریافت چندین ماه مزد دست به اعتصاب زدند.

نپرداختن دستمزدهای فقیرانه کارگران یک چپاول و دزدی آشکار توسط کارفرمایان مفتخور دولتی و خصوصی است و فشار غیرقابل تحملی را به خانواده های کارگری وارد میکند. اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران علیه این جنایت کارفرمایان میتواند سراسری و متحدانه تر پیش رود و کل حکومت اسلامی سرمایه داران را زیر فشار قرار دهد. دستمزدها و حقوق کارگران باید فوراً و بدون هیچ تاخیری پرداخت شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اسفند ۹۷، ۲ مارس ۲۰۱۹

اعتراضات کارگران شرکت واحد، بلبرینگ سازی تبریز، و جوانان عسلیویه

روز ۱۱ اسفند جمعی از کارگران شرکت واحد در اعتراض به افزایش نرخ هزینه های زندگی و عدم توانایی آنها برای تامین اولیه ترین نیازهای زندگیشان در برابر وزارت کار تجمع کردند. سندیکای شرکت واحد در اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر برای ۱۲ اسفندماه به تجمع در مقابل وزارت کار فراخوان به تجمع داده است. این سندیکا همراه با سه تشکل کارگری دیگر در رابطه با میزان حداقل دستمزدها برای سال آتی بر خواست حداقل دستمزد ۷ میلیون تاکید کرده است.

روز ۱۱ اسفند کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به تعویق ۷ ماه دستمزد و خطر از دست دادن کارشان بار دیگر در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

روز پنجشنبه ۹ اسفند جمعی از جوانان جویای کار در عسلیویه علیه بیکاری و بی تامینی و با خواست اشتغال در پروژه های کاری در عسلیویه دست به تجمع زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اسفند ۹۷، ۲ مارس ۲۰۱۹

فراخوان سندیکای واحد به تجمع در مقابل وزارت کار



اطلاعیه های حزب

از صفحه ۶

سندیکیای کارگران شرکت واحد برای روز ۱۳ اسفند برای افزایش دستمزدها فراخوان به تجمع در مقابل وزارت کار داده است. سندیکیای واحد بر افزایش دستمزدها به بالای خط فقر و یک زندگی انسانی برای همه کارگران و مردم تاکید کرده است. سندیکیای کارگران شرکت واحد همراه با سندیکیای کارگران نیشکر هفت تپه و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و گروه اتحاد بازنشستگان طی بیانیه ای مشترک در اول اسفند ماه بر خواست حداقل دستمزدها ۷ میلیون تاکید کردند. اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز طی بیانیه ای جداگانه بر همین خواست تاکید کرده است. همچنین یکی از بندهای بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان برای فراخوان به تحصن روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند خواست افزایش حقوق معلمان شاغل و بازنشسته به حد بالای خط فقر است. هم اکنون جنبشی اجتماعی بر سر این خواست، در اعتراض به زندگی زیر خط فقر و تبعیض فاحش طبقاتی در سطح جامعه در جریان است.

حزب کمونیست کارگری از فراخوان سندیکیای واحد برای افزایش دستمزدها حمایت میکند و همه کارگران و تشکلهای کارگری را به اعتراض به دستمزدهای نازل و مبارزه متحدانه و سراسری برای افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر و یک زندگی انسانی فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اسفند ۹۷، ۲ مارس ۲۰۱۹

اخباری از اعتراضات گسترده کارگری

اعتراضات بازنشستگان فولاد خوزستان و فولاد اصفهان، کارگران راه آهن، کارگران واحد و دیدار با خانواده محمد حبیبی - روز یکشنبه ۱۲ اسفند ۹۷ شمار زیادی از بازنشستگان شرکت فولاد خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق های پرداخت نشده و عیدی و مطالبات سال های گذشته شان با شعار "سفره ما خالیه وعده ها پوشالیه" به سمت استانداری در اهواز راهپیمایی کردند. در مسیر راهپیمایی مردم با آنها ابراز همبستگی میکردند.

- روز ۱۲ اسفند بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عیدی و سطح نازل درمان و خدماتی که ذوب آهن به آنها ارائه میدهد مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. این کارگران بارها بر خواست درمان رایگان تاکید کرده اند. ر پی این تجمع، مسئولین استانداری، اداره کار و نیروی انتظامی با کارگران جلسه ای برگزار کردند. و سرانجام زیر فشار اعتراض کارگران مقرر شد که حقوقها و عیدی آنان پرداخت شود.

- روز ۱۲ اسفند کارگران راه آهن زاگرس در اندیمشک برای چندمین بار در اعتراض به چند ماه حقوق معوقه خود دست به تحصن زده و حرکت قطار مشهد به اهواز را متوقف کردند. کارگران راه آهن زاگرس اعلام کردند تا حقوق ندهند ما بر سر کار نخواهیم رفت.

- روزهای ۱۱ و ۱۲ اسفند کارگران و کارکنان نیروی راه آهن خراسان در هماهنگی و همراهی با کارگران راه آهن در مناطق مختلف، بدلیل دریافت نکردن حقوق و مزایا دست به

اگر شاعر بودم



شمی صلواتی

اگر شاعر بودم

با قلم نویسی ساده

شعری با نام آن زن سلاخی شده

از آن خون ریخته در پارک کودکان سندنج

باشک پنهان آن گم شده فرزند مادر

بر در و دیوار شهر حک می کردم

اگر شاعر بودم

با قلم نویس ساده

شعری از درد

بر صعب العبور ترین کوه

از رنج آن کولبران بی باک

بیخ زده در دشت های سرفراز فتح

که با درد غلتیدند درخون

پرت شدند از کوه

منجمد در صخره های دور

هم پیمان با مرگ

در گذرگاه های تنگ و تاریک شب

حک می کردم

اگر شاعر بودم

با قلم نویسی ساده

شعری از شرم

با تلخترین واژه ها

در وصف معماران خدا می نوشتم

تا زخمهای کهنه

با درد های بی انتها

که در پس کوچه های شهر

بانگهای به دختران گل فروش خیابانی

کودکان گم شده در میان زیاله ها

در انتقام این همه بی حرمتیها!

بر تاق هر ستون از تالارهای

آغشته به خون شهر حک می کردم

اگر شاعر بودم

با قلم نویسی ساده

قلبم را با نان گرم از سفره عیانی

و ذهنم را با قوانین پوچ بردگی

وجودم را با مماشات

یا تن دادن به فاحشگی

و وجدانم را نه با ننگ

بلکه در جنگ با کتابهای بیگانه از شعور

با دروغهای برگرفته از جعل تاریخ

با بتهای ساخته شده از خدایان واهی

بدور از جنگ در نبرد قلم

را دفن می کردم

ای کاش شاعر بودم

با قلم نویسی ساده

رقص لطافتها را

به میدانهای زمخت شهر می بردم

با خط بطلان بر بردگی!

تا مطربان را انعام

و زیباییها را به شهر

کودکان را به شادمانی

و معلمین اخلاق را به نظافت شهر

قاضیان را به کاشتن گل

کلاس قضات را تعطیل

دفتر اتهام را بایگانی

و چوبهای دار را می شکستم!

گل سپیده را بعنوان زیباترین گل بر مناره فتح

و بخشی را بعنوان فاتح سعادت

بر بلندترین دیوار حک می کردم حک می کردم

خواست مهم معلمان آزادی فوری معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ اسفند ۹۷، ۳ مارس ۲۰۱۹

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

تجمع زدند این کارگران برای روز ۱۳ اسفند نیز فراخوان به تجمع داده اند.

- روز ۱۲ اسفند جمعی از کارگران عضو تعاونی مسکن شرکت واحد نسبت به برآورد نشدن مطالباتشان و داشتن مشکل مسکن در مقابل ساختمان وزارت کار در تهران اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

- روز شنبه ۱۱ اسفند جمعی از معلمان و فعالین اجتماعی به مناسبت یک ساله شدن حبس محمد حبیبی در منزل وی گرد آمدند و ضمن اعلام همبستگی با معلمان زندانی از تحصن سراسری روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند اعلام حمایت کردند. یک

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری برای تامین هزینه های ویژه ای که در این دوره با آنها مواجه است، به حداقل ۵۰ هزار یورو نیاز دارد. کلیه اعضا و دستداران حزب و همه کسانی را که قلبشان برای آزادی از شر حکومت اسلامی و نظام گنبدیده آن میتپد فرا میخوانیم که به این فراخوان جواب مثبت بدهند و حزب را یاری دهند.

کمک های خود را میتوانید به یکی از شماره های زیر واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدهای حزب کمک خودتان را به حزب برسانید.

شماره حساب و آدرس های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:

Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontounr: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

England
Account nr.
۴۵۴۷۷۹۸۱
۶۰-۲۴-۲۳sort code:
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

از ایران:

تماس با حزب کمونیست کارگری:
از طریق واتس آپ و ایمو: ۰۰۴۶۷۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

آدرس تماس در کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۶۷۱۷۱۳۸
babakyazdi2@gmail.com

قطعه نامه کانالهای تلگرامی "زن و برابری" و "آگاهی برای زنان" به مناسبت روز جهانی زن:

هشت مارس برابر با ۱۷ اسفند، یادآور تاریخی از مبارزه، برای آزادی و برابری، علیه ستم و تبعیض علیه زن است. اگر چه اکنون این مبارزه با قدرت بیشتری در جریان است ولی در این سده با وجود این میزان از پیشرفت صنعت و تکنولوژی، هنوز نابرابری، تبعیض جنسیتی و ستم بر زن همانند لکه ننگی بر پیشانی بشریت نمایان است.

هنوز که هنوز است زنان از پایهایترین حقوق انسانی خود محروم اند، همچنان استثمار مضاعف، بردگی جنسی، بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی، همچون بختکی سیاه بر زندگی زنان سایه افکنده است.

ما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، که خسته از این همه تبعیض و نابرابری و اجحاف علیه زن هستیم، صدایمان را رساتر از همیشه فریاد می زنیم و خواهان اجرای فوری بندهای زیر برای تغییر وضعیت موجود هستیم:

۱- حق آزادی پوشش.

۲- حقوق فردی و اجتماعی برابر (مانند حق طلاق، حضانت فرزند، سفر، ادامه تحصیل، ارث،) و لغو قیمومیت مردان از زنان بالای ۱۶ سال.

۳- ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۸ سال.

۴- حق استفاده بی قید و شرط از امکانات و مکان های ورزشی و حضور در استادیوم های ورزشی.

۵- امکانات و شرایط برابر برای ورزش زنان و رفع محدودیتهای ورزشی برای زنان ورزشکار.

۶- آزادی انتخاب شغل، رشته تحصیلی و حذف سهمیه بندی های جنسیتی در آموزش.

۷- به رسمیت شناختن کار خانگی به عنوان شغل و قرار گرفتن در شمول بیمه های اجتماعی.

۸- استفاده زنان خانه دار از مزایای بازنشستگی.

۹- شمول خشونت خانگی و آزار جنسیتی در زمره جرائم جنائی.

۱۰- دستمزد برابر در برابر کار برابر.

۱۱- حذف شرایط استخدامی بر اساس جنسیت.

۱۲- اولویت اشتغال و مزایای ویژه برای کارگران زن سرپرست خانوار.

۱۳- ایجاد مراکز نگهداری کودکان به صورت رایگان برای زنان شاغل.

۱۴- شمول مشاغلی مانند پرستاری در زمره مشاغل سخت و زیان آور.

۱۵- امکان برابری برای زنان در جهت انتخاب شغل و رشته کاری دلخواه در همه مشاغل.

۱۶- حذف تفکیک مشاغل به شغل های زنانه و مردانه.

۱۷- مرخصی زایمان یک سال برای زنان و مردان شاغل (این مرخصی بین مادر و پدر میتواند تقسیم شود).

۱۸- عدم تفکیک جنسیتی دانشگاه ها و کلاس ها.

۱۹- رفع تبعیض جنسیتی در انتخاب رشته و ظرفیت دانشگاه ها.

۲۰- حق تحصیل برابر در همه سطوح آموزشی و حذف سهمیه بندی جنسیتی در مقاطع مختلف.

۲۱- آموزش عمومی رایگان و غیر کالائی در مقاطع مختلف (پولی شدن آموزش خصوصاً در مقطع ابتدائی و دبیرستان بیشتر باعث حذف دختران خانواده های کم درآمد از تحصیل می شود).

۲۲- آزادی ایجاد تشکلهای مستقل در راستای رفع ستم جنسیتی و بهبود وضعیت زنان جامعه.